باسمه تعالی

**فهرست**

[اهداف 1](#_Toc510806171)

[بخش اول 2](#_Toc510806172)

[سوالهای ابتدایی درباره کمک به دیگران 2](#_Toc510806173)

[کمک رسانی بر پایه­ی ارزشهای زندگی 2](#_Toc510806174)

[کمک به دیگران، یک کار خوب و ارزشمند است 4](#_Toc510806175)

[کمک رسانی به دیگران یک کار خدایی است. 4](#_Toc510806176)

[چه کار کنیم خود خدا کمک کار ما باشد؟ 5](#_Toc510806177)

[جایگاه ویژه­ی کمک به نزدیکانمان 6](#_Toc510806178)

[بخش دوم 7](#_Toc510806179)

[خلاصه بخش اول 7](#_Toc510806180)

[یاری رسانی به خود خدا 7](#_Toc510806181)

[یاریرسانی به خدا، لطفی به بندگان است. 8](#_Toc510806182)

[چطور خدا را یاری دهیم؟ 9](#_Toc510806183)

[یاری امامزمان، بالاترین مصداق یاری خدا 10](#_Toc510806184)

[امامزمان هم مگر گرفتاری دارد؟ 11](#_Toc510806185)

[بیایید او را یاری کنیم 13](#_Toc510806186)

ابتدا برای آشنایی اجمالی و پی بردن به اهداف هر بخش، نکات زیر را مطالعه نمایید.

# اهداف

1. هدف بخش اول:

* در این بخش می­یابیم که کمک­هایی ما در زندگیمان به دیگران می­کنیم، برپایه­ی ارزش­های­مان است.
* از طرفی کمک کردن به دیگران یک کار خوب و ارزشمند است چرا که این کار، کاری است که دوست داشته باشیم دیگران آن را در حق ما انجام دهند.
* در ادامه می­گوییم که کمک کردن به دیگران یک کار خدایی است و خدا از طریق جانشینانش، یک فرمول ویژه به ما داده است:  
   " شما به بندگان من کمک کنید تا من خدا به شما کمک کنم "
* در ادامه می­گوییم که کمک به دیگران، ارزش مساوی ندارد بلکه کمک به کسانی که حق بیشتری بر ما دارند و یا کمک به کسانی که به ما نزدیکتر هستند؛ نزد خدای متعال از جایگاه ویژه­تری برخوردار است.

1. هدف بخش دوم:

* در بخش دوم توضیح می­دهیم که برای کسب بیشترین امتیاز از این فرمول، می­توانیم خود خدا را یاری دهیم و برای این موضوع شاهد مثال قرآنی ذکر می­کنیم.
* در ادامه می­گوییم که یاری خدا به دلیل ضعف خدا نیست بلکه این موضوع لطفی به بندگان است.
* بعد از آن توضیح می­دهیم چطور می­توانیم خدا را یاری دهیم. با کمک آیات قرآن می­بینیم که خدا حواریون حضرت عیسی را " یاران خدا " نامیده ­است و این کار در پی یاری حجت خدا بوده­است.
* نتیجه­ای که از این آیه برای زمان حاضر می­گیریم این است که، با عنایت خدا، ما با یاری امام زمان علیه­السلام می­توانیم به بالاترین مصداق یاری خدا دست یابیم.
* در ادامه توضیح می­دهیم که امام زمان را می­توان یاری کرد چرا که او غریب است. و برخی از مصادیق غربت ایشان را مطرح می­کنیم از جمله اینکه: ایشان در ناامنی زندگی می­کنند و اینکه شیعیانشان را در گرفتاری­های مختلف می­بینند و غصه می­خورند.
* در نهایت نیز چند اقدام عملی پیشنهاد می­شود تا امام زمان علیه­السلام را یاری کنیم. اینکه ایشان را حاضر و ناظر ببینیم و اینکه برای فرج او دعا کنیم و همچنین خبر وجود او و محبت­های او را به دیگران برسانیم.

**" یاری "**

این سناریو در بخش نوشته شده است که در زیر آمده است.

# بخش اول

* سلام و خوش­آمدگویی

## سوال­های ابتدایی درباره کمک به دیگران

* اگر اجازه دهید بحث­مان را با دو سوال شروع کنیم.
* سوال اول:

آخرین باری که به کسی کمک کرده­اید کی بود و چه موردی بود؟ شما و کسی که به او کمک کردید، هر کدوم چه حس و حالی داشتید؟

* [ از مخاطبین سوال پرسیده می­شود و مجری جواب­های مهمان­ها را می­شنود... ]
* همونطور که همه گفتید، هر کسی تو زندگیش تجربه این رو داره که به عده­ای کمک کنه و همه ما هم از این موضوع حس خوب داریم. از اینکه همسرمون، پدرمون، دوستمون یا هر کس دیگه­ای رو کمک کرده­ایم و می­بینیم او مشکلش حل شده؛ خوشحال می­شویم.
* اما سوال دوم:  
  شما معمولاً به چه کسانی کمک می­کنید؟   
  [ مجری به صورت گذرا جواب­ها را می­گیرد جواب­هایی مثل پدر و مادر و دوست و همسر و...]  
  سوال بعدی اینه که چرا این فرد رو انتخاب می­کنید؟

[ از مخاطبین سوال پرسیده می­شود و مجری جواب­های مهمان­ها را می­شنود... ]

## کمک­رسانی بر پایه­ی ارزش­های زندگی

* چیزی که بین همه جواب­ها مشترک است اینه که هر چیزی که برای ما **ارزش** داشته باشه حاضریم، به همون اندازه بهش توجه کنیم، واسش وقت بذاریم، کمکش کنیم.
* حالا سوال اینجاست که چه چیزهایی برامون ارزش بالاتری نسبت به بقیه داره . چجوری می تونیم ارزش های اصلی زندگیمون رو بشناسیم ؟
* بذارید یه فرمول بهتون بگم که بتونیم بزرگترین ارزش­هامون رو بشناسیم. راه شناخت ارزشهای زندگیمون اینه که ببینیم چه چیزهایی در زندگیمون بیشترین اهمیت رو دارن .
  + بذارید براتون یک مثال بزنم :   
    فرض کن داری می­ری یک قرارداد تجاری پر سود ببندی که وقت زیادی هم برای جفت و جور کردنش گذاشتی. تو مسیر بهت خبر می­دن که خدایی نکرده برای مادرت اتفاقی افتاده و الآن بیمارستانه! این شرایط می شه شرایط بحرانی، انتخاب ما تو این موقعیت، ارزش بالای یکی رو نسبت به دیگری نشون میده. اگر من رفتم سراغ مادرم، نشون میده که مادر برای من در زندگی از ارزش والایی برخورداره و بالعکس
* پس در شرایط بحرانی ما می تونیم ارزش های اصلی زندگیمون رو شناسایی کنیم.
* ارزشهایی اصلی­مان که اگر بخواییم شمارش کنیم، شاید تعدادش بیشتر از انگشتهای یک دست هم نشه. مثل پدر و مادر و همسر و فرزند.
* اینا ارزشهایی هستند که خیلی وقت­ها حاضریم جونمون رو بدیم ولی اینها رو از دست ندیم.
* اما چی میشه که بعضی چیزا خیلی برامون ارزش دارن؟ ما آدمها معمولاً کسانی که بهشون علاقه­ی بیشتری داریم و خیلی دوستشون داریم برای ما بسیار ارزشمند هستند. همینطور کسانی که بیشتر به ما لطف کرده اند و حق بر گردن ما دارند؛ برای اکثر مردم زمین ارزشمند هستند.
* اکثر ما آدم ها نسبت به بسیاری از اخبار حتی اتفاقات تلخی که نسبت به ما دور است؛ بی تفاوت هستیم. چرا؟ چون این مسائل از ارزش­های اصلی ما و دغدغه­های ذهنی ما نیست. هر چه این افراد برای ما ارزشمندتر باشند؛ این حسِ اندوه و تاسف، شدیدتر خواهد بود. برای مثال، اگر رفیق صمیمی ما گرفتار شود خیلی بیشتر دلواپس خواهیم بود تا کسی که در یک کشور دیگر است و ما حتی او را یک بار هم ندیده­ایم.
* پس ارزش بیشتر، واکنش شدیدتر ما را در بردارد.
* چرا ما آدما اینقدر مادرامون رو دوست داریم و مادر اینقدر برای ما اررشمند است؟ مادر، در فرهنگ­های مخنلف و در کشورهای مختلف، یک ارزش بلندمرتبه است.  
  دلیلش هم روشنه چون همه میدونیم که از کودکی با مهر و محبت بی­دریغ او بزرگ شده­ایم. مادر کسی هستش که بی­منت به ما محبت میکنه و از کوچکی زحمت­های زیادی برای ما کشیده است اما باز هم چشم­داشتی از ما نداره.
* خب بذارید تا اینجای بحث رو بطور خلاصه یه جمع­بندی بکنیم.  
  گفتیم که ما آدم­ها در شرایط مختلف به دیگران کمک می­کنیم و دلیلش هم این است که آنها برای ما ارزشمند هستند و خوشحالی­شان و گرفتار نبودن ­شان برای­مان مهم است.  
  همچنین گفتیم معمولاً کسانیکه به گردن­مان حق دارند و به ما لطف کرده­اند و ما هم به آنها محبت داریم؛ از ارزشمندترین افراد زندگی­مان هستند.

## کمک به دیگران، یک کار خوب و ارزشمند است

* حالا یه سوال، چرا وقتی کار خوبی انجام میدهیم؛ حس خوبی به ما دست میده؟ چرا وقتی به دیگران یاری می­رسونیم، حس خوبی داریم و خوشحال می­شیم؟
* کار خوب یه ویژگی خیلی شفاف و روشن داره که همه­مون درک می­کنیم.  
   کار خوب، کاری هستش که هر کدام از ما دوست داریم دیگران در حق ما انجام بدهند.  
  یعنی همه ما دوست داریم که دیگران به ما کمک کنند و اگر مشکلی داریم یا خواسته­ای داریم، دست ما را بگیرند.
* به خاطر همین خیلی زیبا و پسندیده است که همین کار رو نسبت به دیگران انجام دهیم.  
   برای خیلی از ما آدم­ها هم " برآورده کردن حاجت دیگران " ارزشمند است.  
  همونطور که ما هم دوست داریم اگر حاجتی داشتم، بقیه کمکمون کنن.
* مثال خیلی خوبش هم وقتی است که جمعی از هموطنان­مان گرفتار یکی از بلایای طبیعی شده­اند. در این صورت، تعداد کمک­های مردمی خیلی زیادی به سمت آنها فرستاده میشه. چرا ؟ چون اولاً هموطنان­مان برای ما ارزشمند هستند و ثانیاً کمک به گرفتاران، برای انسان فهمیده، یک کار خوب و ارزش مهم محسوب میشود.
* مثالش هم همین زلزله­ی کرمانشاه هستش که از شهرهای مختلف کمک­های مردمی براشون فرستادن.  
  این کار یه کار خوبه، چرا چون اگر روزی ما هم گرفتار سیل یا زلزله شدیم، دلمون می­خواد که دیگران به ما کمک کنند و اگر من به دیگران تو چنین شرایطی کمک کنم میتونم انتظار داشتم که بقیه هم به من کمک کنند.
* پس این یه موضوع اخلاقیه که اگر دیدی کسی نیاز به کمک داره یا مشکلی براش پیش اومده، در حد توانت بهش کمک کنی و همه می­فهمیم که این کار، چقدر ارزشمند هستش.

## کمک­رسانی به دیگران یک کار خدایی است.

* نکته جالب اینجاست که **خدا** خودش می­گوید این کارهای خوبی که می­شناسید نزد من خدا هم بسیار بسیار ارزشمند است و من نیز به شما اجر و پاداش ویژه می­دهم.  
  بله این کارهای خوب، مورد تایید خداست و رنگ و بوی خدایی هم دارد.  
  خداوند در قرآن مجید اینگونه به ما خطاب می­کند:

و تعاونوا علی البر و التقوی

با یکدیگر در کارهای نیک و تقوا، همکاری کنید.

* و جالبه که در میان کارهای خوب، کمک­رسانی به دیگران جایگاه خیلی مهم و خاصی دارد . **این کار برای خدا بطور ویژه پر ارزش است** . خدا از این کار رضایت داره و واقعا این کمک کردن به دیگران رو دوست داره. قطعاً چیزی که بین ما انسانها ارزشمند و پسندیده است، خدا هم نسبت به اون رضایت داره و حمایت خودش رو اعلام میکنه.
* و خدا هم توسط نماینده­هاش به ما این پیام رو رسونده که اینقدر این کار برای من مهمه که خیر و برکتی زیادی به این کار اختصاص میدم و کسی که به دیگری کمک میرسونه مشمول مهر و رحمت وسیع من خدا میشه.
* بذارید دو تا از این حدیث­ها رو راجع بهش صحبت کنیم.
  + حدیث اول:  
    کسی که به برادر مومن­اش در گرفتاری و تنگنا کمک کند و مشکلش را حل کند خدا در دنیا و آخرت به او هفتاد و دو رحمت میدهد و یکی از آنها در دنیاست که امر معیشتش را اصلاح میکند.   
    کافی ج2 ص199
  + ما این همه تلاش می­کنیم که امور معیشت­مان رو بهبود بدهیم و قطعاً درسته که ما باید تمام تلاشمون رو بکنیم اما خدا یک فرمول ویژه می­ده که میتونه تأثیر کارامون رو خیلی بیشتر کنه. به دیگران کمک کنیم تا خود خدا امرار معاش­مان را اصلاح کند. چقدر خوب و لذت­بخشه!
  + حدیث دوم:  
    اگر کسی در پی برآورده کردن حاجت مسلمانی باشد، خدا در پی برآوردن حاجت او خواهد بود؛ مادامی که در پی آن حاجت باشد.   
    کافی ج2 ص199
  + چه چیزی بالاتر از این که خدایی که همه عالم به دست او هستش بخواهد به ما کمک کند. چه کاری بیشتر از این میتونه به ما خیر برسونه و ما رو جلو ببره؟ واقعاً فوق­العاده است.

## چه کار کنیم خود خدا کمک­کار ما باشد؟

* اگر ما به تلاش خودمون اکتفا کنیم چقدر از این عالم رو میتونیم عوض کنیم و ازش استفاده کنیم؟ حتما همه میدونیم که اگر خدا بخواهد به کسی کمک کند اما بقیه بخواهند جلودارش باشند نمیتونن. پس کسی برنده است که بتونه کاری کنه که خدا کمک­کارش باشه و جالبه که خدا داره یه فرمول ساده و خیلی مهم به من و شما ارائه میده:  
  " به بنده­های من کمک بده تا منِ خدا کمک­کار تو باشم "
* و البته کمک کردن به افراد مختلف ارزش­های مختلفی داره. اینکه دست چه کسی را می­گیریم درجه­بندی داره. یه عده­ای هستن که یاری رساندن به آنها اجر و ارزش بیشتری داره.   
  افرادی که به کسانی که اهمیت ویژه­تری دارند، کمک کنند؛ از فرمولی که گفتیم بیشترین استفاده را میکنند و بیشتر مشمول لطف خدا قرار می­گیرند و با سرعت بیشتری جلو می­روند.

## جایگاه ویژه­ی کمک به نزدیکان­مان

* برای اینکه این قانون طلایی رو بهتر و کامل­تر یاد بگیریم؛ سراغ معلم بزرگ دین خدا می­رویم.   
  حضرت امام صادق علیه السلام در این باره اینچنین توضیح دادند که:  
  اگر کسی می­خواهد پولی برای دیگری خرج کند [ و به این وسیله از بندگان خدا دستگیری کند ] اول، بهتر است که برای والدین خرج کند و دوم خودش و همسرش و در رتبه سوم، فقیران آشنا و در مرحله چهارم همسایگان و در مرحله آخر کمک در راه خدا برای دیگران است که البته این مورد مقامش از بقیه کمتر است.   
  ( کافی ج5 ص66)
* این مطلبی هستش که ما آدم­ها در خیلی از موارد و بطور معمول هم تو زندگی­مون رعایت می­کنیم. همانطور که قبلاً گفتیم، اگر آدمهایی که ارزش­های اصلی زندگی­مان هستند؛ به مشکل بخورند، ما هر طور شده بهشون کمک میکنیم و سعی میکنیم مشکل­شون رو حل کنیم. اگر مشکل مالی باشه، سلامتی باشه یا هر چیز دیگه­ای.  
  ما به کسانی که حقی به گردن ما دارند و احتمالا به ما نزدیکتر هم هستند؛ بیشتر محبت می­کنیم، بیشتر به آنها توجه می­کنیم.
* مثالش هم اینه که اگر برای مادرمون یا یک دوست صمیمی ما یک اتفاق ناگواری پیش بیاد، قطعاً برای ما خیلی مهم­تره تا کسی که گرفتاری داره اما ما تا به حال او را ندیده­ایم.
* کمک به این افراد، از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است. یعنی کسی که در قانون یاری کردن بنده­های خدا بطور خاص به پدر و مادرش و همسرش و آشنایان و همسایگان کمک میکند، از این قانون بیشترین بهره را می­تواند ببرد و به طور ویژه از آن استفاده کند.
* خب تا اینجای برنامه یه قانون مهم رو یاد گرفتیم. به بنده­های خدا و خصوصاً اطرافیانمان که گرفتار هستند کمک کنیم تا خدا هم به ما کمک کنه. امیدواریم بتونیم همه ما مردم به کمک خدا، این قانون رو در زندگی­مان عملی کنیم و از ثمراتش بهره ببریم.

# بخش دوم

## خلاصه بخش اول

* صحبت ما درباره " یاری کردن و کمک­رسانی " به دیگران بود.
* در بخش قبل به این نتیجه رسیدیم که ما برای کسانی که برای­مان ارزشمند هستند؛ اهمیت ویژه قائل هستیم و در حد توان­مان به آنها کمک می­رسانیم.
* همینطور گفتیم طبیعیه که کسی که حق بیشتری به گردن ما دارد، ارزش زیادی برای­مان داشته باشد. مثال بارزش هم مادر است.
* در ادامه هم گفتیم که "کمک کردن دیگران" یه کار خوب و قشنگه که همه متوجه­اش میشیم.
* نکته خیلی مهم و جالب هم این بود که این کار برای خداوند هم خیلی ارزشمند است و او وعده داده است که اگر کسی چنین کاری کند، منِ خدا از او حمایت می­کنم و به او در دنیا و آخرت پاداش ویژه می­دهم.
* در انتها هم گفتیم که خدا این فرمول مهم رو به ما یاد داده است   
  " به بنده­های من کمک بده تا من خدا کمک­کار تو باشم "  
  هر کسی از این کلید طلایی استفاده کنه برنده­ی بازی زندگی هستش و میتونه از امتیازاتش استفاده کنه.

## یاری رسانی به خود خدا !!!

* خب حالا می­خواهیم یه پرده بالاتر بریم. در بخش قبلی گفتیم که کمک به دیگران یه گنج فوق­العاده است که میتونه زندگی­مون رو متحول کنه و گفتیم که درجه اهمیت و ارزش این کار بسته به شرایط میتونه متفاوت باشه. مثلاً من به مادرم اگر کمک کنم و دل او را شاد کنم میتونه خیلی ارزشمندتر از کمک به یه غریبه باشه.
* خب حالا که ارزش این کار خوب متفاوته، برامون جالبه که بدونیم بالاترین امتیاز رو از این فرمول چه جوری میتونیم کسب کنیم. ما اگر بدونیم که این یاری خدا به ما چطوری میشه بیشتر و بیشتر بشه، و اگر این فرمول رو این جوری ازش استفاده کنیم چندین برابر میتونیم رشد کنیم و نسبت به این حالت غفلت کنیم؛ خیلی خیلی جلوتر می­افتیم.  
  بعبارت دیگه چی کار کنیم که بالاترین حمایت خدا رو وارد زندگی­مون بکنیم؟ انتهای یاری و حمایت خدا رو چه جوری پیدا کنیم؟  
  واقعاً جذابه که از یه فرمول عالی، بیشترین و بالاترین امتیاز رو کسب کنیم.
* برای اینکه جواب این سوال رو پیدا بکنیم بهترین راه اینه که از خود خدا سوال کنیم و از او بخواهیم که راه رو به ما نشون بده.
* این کلید طلایی رو خدا تو قرآن به ما معرفی میکنه.
* ای کسانی که ایمان آورده­اید؛ اگر خدا را یاری دهید، خدا یاری­تان دهد و گامهایتان را استوار می­کند.  
  سوره محمد / آیه 7
* اگر خدا یاری­تان دهد، دیگر کسی نمی­تواند بر شما مسلط شود.  
  سوره آل عمران / 160
* **بله خدا میگه بیایید من رو یاری بدید** تا امتیازهای خاص و ویژه­ام رو شامل حالتون بکنم.

## یاری­رسانی به خدا، لطفی به بندگان است.

* اینجا شاید تعجب کنیم که اصلاً مگه میشه خدا رو هم یاری کرد؟ مگه خدا نیازی به کمک کردن ما داره؟ خدایی که همه­ی عالم از او هستند و همه مخلوقات هر چه دارند از لطف خداست، خدا رو یاری کنن؟ خدایی که بی­نیاز از همه مخلوقاتش هست. چنین چیزی چطور امکان دارد؟
* اول از هر چیز این را متوجه می­شویم که چون خود خدا گفته است بیایید مرا یاری کنید، امکان این کار وجود داره. چرا؟ چون خودش این پیام رو به ما داده.
* اما در کنار این موضوع، همه میدونیم که خدا شبیه هیچ یک از مخلوقاتش هم نیست. ما آدمها چون ضعف داریم و گاهی با مشکل مواجه میشیم و یا کمبودهایی داریم، از دیگران کمک می­خواهیم. کسی که هیچ نیازی به دیگران نداشته باشه؛ از کس دیگری کمک نمی­خواد .  
  همه میدونیم که ما مخلوقات به خالق نیاز داریم و خالق­مان هیچ نیازی به دیگران ندارد؛ پس خدا نیازی به کمک بندگانش نداره.   
  پس یاری­رسانی به خدا با یاری کردن ما به همدیگر فرق داره؛ چرا که خدا از صفت نیازمند بودن و گرفتار بودن به دور هستش و بالاتر از اینهاست.
* پس راز اینکه خدا یاری خواسته چیه؟
* حضرت امیرالمؤمنین در این باره توضیح داده­اند که خداوند از ضعف و خواری – پناه برخدا – نیست که از شما کمک خواسته است؛ بلکه تمام آسمانها و زمین در خدمت خدا هستند و او هماره پیروز است. نکته جالب این است که خدا باب نصرت را باز کرده است تا باب آزمایش بندگان باز بشه.   
  یعنی بندگانی که می­خواهند به مقامات بیشتری برسند و مشمول رحمت ویژه خدا بشن میتونن از این امکان ویژه استفاده کنند.
* یعنی یک حالت اینه که خدا این امکان رو به بنده­هاش داده که فقط به او ایمان داشته باشن و او رو دوست داشته باشن.
* اما حالت دیگری هم وجود داره و اون هم اینه که خدا یک امکان ویژه و بالاتری قرار داده است که کسانی که می­خواهند بیشتر به خدا نزدیک بشن بتونن از این نعمت الهی استفاده کنند و اجر و پاداش خیلی بیشتری از خدا بگیرند.
* وقتی به این کلام نورانی امیرالمؤمنین دقت کنیم متوجه میشیم که "یاری خدا" در حقیقت لطفی از جانب خدا به بندگان است تا بندگان بتوانند رشد کنند نه اینکه ساحت مقدس الهی نیازمند به کسی باشد.
* پس متوجه شدیم که اگر خدا اجازه بده، یک امکان ویژه برای تک­تک ما وجود داره و اون هم اینه که ما خدا رو یاری کنیم و خدا با این کار زمینه رشد و تعالی ما رو فراهم بکنه.

## چطور خدا را یاری دهیم؟

* حالا جا داره از خدا سوال کنیم که" ای خدای بزرگ! چطور میتونیم تو رو یاری کنیم؟"
* یاری خدا درجات دارد و انواع و اقسام دارد. مثلاً اینکه کمک به همسرمون کنیم یا دست نیازمندی را بگیریم؛ اگر این کار برای خدا باشد، نوعی یاری خداست. اگر حاجتی از پدر و مادرمان را برآورده کنیم هم یاری خداست.
* اما همانطور که گفتیم، انواع یاری­رسانی، درجات مختلفی دارند و یاری خدا هم یک مصداق بزرگ و خاص دارد که خود خداوند در کلامش مصداق ویژه­ی یاری خودش را معرفی میکند. باید بریم به کلام خدا رجوع کنیم و این مصداق ویژه رو پیدا کنیم.
* وقتی تو کلام خدا یعنی قرآن جستجو میکنیم می­بینیم عده­ای هستن که خدا یه لقب ویژه به اونها داده.  
  کسانی که" یاران خدا " هستند و خدا ویژگی اونها رو به ما داره میگه.
* خدا وقتی ماجرای حضرت عیسی رو نقل میکنه، این عده رو معرفی میکنه.
* خدا به حضرت عیسی علم و کتاب انجیل داد و ایشون رو مأمور کرد که به سمت قوم خودش بره و اونها رو تبلیغ کنه. ایشون این کار رو انجام داد و به قومش گفت که من از جانب خدا به سمت شما اومده­ام و برای این هم دلایل و نشانه­هایی دارم.  
  حضرت عیسی به اذن خدا، معجزاتی داشت از جمله اینکه مردگان رو زنده میکرد و یا اینکه مریض­ها رو شفا میداد. همینطور حضرت عیسی به اونها از آنچه که می­خوردند و آنچه که در منزل­هاشون ذخیره کرده­بودند به اونها خبر میداد.  
  اما بعد از اینکه یهودیان این نشانه­ها رو دیدند خیلی­هاشون باز هم ایمان نیاوردند و وقتی که حضرت عیسی احساس کرد آنها نمی­پذیرند و امکان داشت خطرات، حضرت عیسی را تهدید کند؛ ایشان از مردم کمک خواست و این چنین به اونها خطاب کرد که:
* **در راه خدا، چه کسانی مرا یاری میکنند؟  
  حواریون گفتند ما یاران خدا هستیم** و به او ایمان آورده­ایم.
* این همان کلیدی است که ما دنبالش بودیم. جالبه که حضرت عیسی فرمودند که چه کسانی یاران **من** هستند و حواریون گفتند که ما **یاران خدا** هستیم.
* **خداوند اینجا دارد یاران خودش را معرفی میکند. کسی که میخواهد خدا را یاری کند باید یاری­گر حجت زمان باشد. کسی که از جانب خدا روی زمین است و نماینده خداست.**

## یاری امام­زمان، بالاترین مصداق یاری خدا

* بله یاری حجت خدا اینقدر برای خدا ارزشمند هستش که اون فرمول کمک­رسانی رو چندین برابر قوی­تر میکنه. اینقدر برای خدا مهمه که خدا میگه اگر می­خواهید مرا یاری کنید برید سراغ حجت من. این بالاترین مصداق یاری منه.
* چرا خدا اینقدر به یاری حجتش اهمیت داده است؟ چون این افراد مبلغ دین خدا هستند و دارند مردم رو به سوی خدا دعوت می­کنند.  
  ارزش این افراد تا جاییه که خدا میگه اگر میخواهید من رو خوشحال کنید، این افراد رو خوشحال کنید و اگر می­خواهید از خشم من به دور باشید باید از خشم اینها دوری کنید.  
  [ اشاره به حدیث اصول کافی ج1 ص198]
* این یک کلید طلایی است. یاری کردن خدا در اصل به معنای یاری رساندن به مقربان درگاه الهی است.
* گفتیم که کمک کردن به دیگران چقدر مهم است و گفتیم که پرده­ی بالاتر این است که خدا را یاری کنیم تا به رشد عالی برسیم و حالا متوجه شدیم که مصداق کامل یاری خدا، یاری حجت زمان است. این را خود خداوند به ما یاد داده­است. او می­خواهد بندگانش از این کلید طلایی استفاده کنند تا به مراتبی برسند که بسیار بالا و والاست. اگر کسی چنین کاری کند خدا در دنیا و آخرت او را یاری می­کند، به او اجر می­دهد و همینطور او را بالاتر و بالاتر می­برد.
* بله یاری امام زمان گوهری گرانبهاست که خدا آن­را به بندگان ویژه­اش می­دهد. این امکان وجود دارد که این اجازه را به من و شما هم بدهد و از او بخواهیم وارد این دایره شویم. اگر خدا عنایت کند، ما میتوانیم حجت خدا را یاری کنیم و غم و اندوه دلش را کم کنیم.
* امروزه، امام زمان ما، همان مقرب درگاه الهی است که ما در قبال توجه به او یا بی­توجهی به او نزد خدا رتبه­بندی میشن. کسانی که ایشون رو یاری میکنن و در گرفتاری­ها تنهاشون نمیذارن؛ نزد خدا یه مقام فوق­العاده دارن.

## امام­زمان هم مگر گرفتاری دارد؟

* اما مگر امام زمان هم گرفتار می­شود؟ آیا مشکل هم دارد؟ آیا ما میتوانیم با یاری­رسانی به او کمکی به او کنیم؟
* خیلی از ما تصور درستی از گرفتاری­های امام زمان علیه­السلام نداریم. حتی شاید عده­ای پیش خودشون بگن که امام زمان گرفتاری ندارن تا ما بخواهیم برای او کاری کنیم. یا اینکه ایشون نیازی به مردم ندارد که بی­توجهی مردم به او باعث غربتش باشد و ایشان حجت خداست و مریض هم نمی­شود.
* اما اگر کمی توجه کنیم؛ خودمون متوجه میشیم که امام زمان گرفتاری­های فراوانی دارند. اینکه کسی سالیان درازی تنها باشد و در غیبت باشد و نتواند خودش را معرفی کند، یک گرفتاری بزرگ است.
* اهل­بیت فرموده­اند که امام زمان علیه­السلام غیبت خواهد کرد که اگز جز این باشد کشته خواهد شد. یعنی شدت گرفتاری تا این حد است که اگر ایشان قبل از ظهورشان، خود را معرفی کند، دشمنان بر او حمله می­کنند و او را خواهند کشت و با او شبیه همان رفتاری را خواهند کرد که با اجدادش کردند.
* وقتی در این کلام دقت کنیم می­بینیم که این نوع زندگی، یک گرفتاری بزرگ است. آیا این که همه من بتوانیم شناسنامه داشته­باشیم و نام و نشان خود را در جامعه مطرح کنیم و از حقوق اجتماعی برخوردار باشیم، اما برای آن حضرت این امکان وجود نداشته باشد که حتی نام خود را بگوید، مشکل به حساب نمی­آید؟
* آیا امام زمان دوست ندارد در جمع دوستان خود بنشیند و با آنها در شرایط امن و امان سخن بگوید؟ آیا ایشان دوست ندارد مثل دیگر مردمان با خویشانشان رفت و آمد داشته باشند؟
* بله، ناشناس زندگی کردن نوعی غربت است، خصوصاً اگر این موضوع از روی ظلم بر انسان تحمیل شده باشد.
* خود اهل بیت هم به امام عصر لقب" مضطر " داده­اند. اضطرار به معنای چاره نداشتن است و مضطر کسی است که چاره­ای ندارد.
* این را هم باید گفت که گرفتاری­های حضرت گاهی در اثر آسیب­هایی که متوجه شخص ایشان است؛ اما بخش بزرگی از این گرفتاری­ها در حقیقت گرفتاری­های کسانی است که بستگان و وابستگان امام عصر علیه­السلام به شمار می­آیند و غم آنهاست که به امام زمان سرایت میکند. شیعیان فرزندان امام زمان به شمار می­روند و امام پدر دلسوز آنان است.
* امام رضا علیه­السلام در توصیف شخصیت امام فرموده­اند: " امام، انیسی رفیق و اهل مدارا است، پدری دلسوز است، برادری تنی از یک پدر و مادر و مادری است که به فرزند خردسال خویش محبت می­کند."
* گرفتاری های یک پدر محدود به مشکلات شخصی او نیست، بلکه گرفتاری و بیماری فرزندان نیز از مشکلات پدر به شمار می­آید.
* در زمان­های گذشته شخصی به نام رمیله می­گوید: در زمان امیرالمؤمنین علی علیه­السلام سخت بیمار شدم تا آنکه در روز جمعه قدری احساس سبکی کردم. با خود گفتم بهتر از هر چیزی این است که آبی بر روی خودم بریزم و بروم پشت سر امیرالمؤمنین نماز بخوانم. همین کار را کردم، آنگاه به مسجد رفتم. وقتی آن حضرت بالای منبر رفتند حال من دوباره بد شد. وقتی امیرالمؤمنین از مسجد برگشتند و داخل دارالحکومه شدند، من هم همراه ایشان داخل شدم. ایشان به من فرمودند: ای رمیله، دیدم به خودت می­پیچیدی! عرض کردم: بلی! جریان بیماری خود را برایشان تعریف کردم و انگیزه حضور خود را در نماز بیان داشتم. ایشان فرمودند:
* " ای رمیله، هیچ مؤمنی بیمار نمیشود مگر اینکه ما هم به خاطر بیماری او بیمار می­شویم، و غمگین نمی­شود مگر اینکه ما هم در غم او غمگین می­شویم و هیچ دعایی نمی­کند مگر آنکه به دعای او آمین می­گوییم و سکوت نمیکند مگر اینکه برایش دعا می­کنیم."  
  در ادامه رمیله می­پرسد که آیا این حال، فقط برای کسانی است که شما آنها را از نزدیک می­بینید؟ کسانی که در جاهای دیگر زمین هستند چطور؟  
  حضرت فرمودند: "ای رمیله، هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما پنهان نیست."
* برای پدر نزول بلا بر فرزند از نزول بلا بر خود او جانکاه­تر است، زیرا پدر می­تواند بر بلا صبر کند اما فرزند، صبر اندکی دارد و چون در بلا می­افتد، دست و پا می­زند و عجز و لابه­های او قلب پدر را بیشتر و بیشتر می­سوزاند.
* همچنین امام پدری است که از احوال یک­یک فرزندان خویش باخبر است. پس قلب او مجمع رنج­های تمام شیعیان یعنی تمام فرزندانش است. هرگاه در گوشه­ای از این دنیا حقی از حقوق شیعیان امام ضایع میشود، دل او آزرده می­گردد.
* پیوند روحی امام با فرزندان معنوی­اش بسیار شدیدتر از پیوند یک پدر معمولی با فرزندش است و بخش عمده­ای از دل­مشغولی­ها و نگرانی­ها و خستگی­ها و دعاهای امام علیه­السلام به رفع گرفتاری فرزندانش بازمیگردد.
* مشکلاتی که گاهی به جهت تسلط دشمنان و ظلم ایشان گریبان­گیر فرزندان امام می­شود و آتش خشم او را شعله­ور می­کند.
* آری اگر بیشتر دقت کنیم و پیوند میان امام و شیعیانش را درک کنیم، بیش از پیش او را غریب و دل­شکسته خواهیم یافت.
* امام هم ممکن است گرفتار شود. وقتی دفتر تاریخ را هم ورق می­زنیم می­بینم پدران امام زمان هم گاه مریض می­شدند. گاهی چون امام حسین علیه­السلام در اوج غربت، مظلومانه شهید می­شدند. گاهی چون امام کاظم، در زندان­ بودند و گرد غربت و تنهایی بر دامن­شان می­نشست. و گاه چون امام زمان ما، غریب و تنها هستند. امامی که حدود هزار و دویست سال است که با چنین شرایطی دست و پنجه نرم می­کند و غصه­های دلش از شماره خارج است. امامی که نه تنها دشمن بلکه گاهی دوستان هم او را فراموش کرده­اند و انگار باورشان نیست که امامی دارند که هم­اکنون زنده است، از حالشان خبر دارد، مشکل­گشاست و می­تواند به فرزندانش کمک کند.

## بیایید او را یاری کنیم...

* این همه را گفتیم که بدانیم می­توانیم ما هم این پدر مهربان و عزیز را یاری دهیم و مرهمی باشیم بر غربتش.
* بیایید او را یاری کنیم... بیایید کاری کنیم که لبخندی بر لبانش بنشیند. کاری کنیم که او ما را جزو یارانش بداند و با دیدن ما کمی قلبش تسکین پیدا کند.
  + برای یاری­اش اول از همه می­توانیم او را در زندگی­مان حاضر و ناظر بدانیم. بیاییم با او راز دل بگوییم. از غم و شادی­هایمان برای او بگوییم. باور کنیم که او میتواند مشکل ما را حل کند، از او بخواهیم دست ما را رها نکند.
  + می­توانیم برای فرج و گشایش او دعا کنیم. دعا کنیم که خدا فرج اصلی و ظهور او را نزدیک کند. از خدا بخواهیم اگر مصلحت نمیداند که ظهور رخ دهد، همین امروز و در این دوران غیبت هم برای امام­مان گشایشی ایجاد کند. غم دلش را برطرف کند. با سوز دل خدا را بخوانیم که شیعیان او، از گرفتاری آزاد شوند که دل امام ما تسکین یابد.
  + خبر او، یعنی خبر حضورش، برکات وجودش، محبتش به شیعیان را به دیگران برسانیم. در جمع خانواده از او یاد کنیم، به دیگران، به رفقا به آشنایان بگوئیم که : خداوند، امامی زنده را برای ما پناه قرار داده است و به ما دستور داده­است خودمان را در سایه­ی امن او قرار دهیم تا از درماندگی­ها نجات یابیم و خوشبخت شویم.

برای شروع بیایید این بار به نیت یاری امام زمان علیه­السلام از صمیم قلب دعای فرج را بخوانیم و عاجزانه از خدا بخواهیم که گشایشی در کار ایشان حاصل کند. ان­شاءالله

اللهم کن لولیک ...